



فصل سوم «قلب کوچکم را به چه کسی بدهم؟»

این زندگی، حلال کسانی که همچو سرو
آزاد، زیست کرده و آزاد می روند
کشن آزادی

معنی: دین گوارای کسانی که مانند درخت سرو آزاد و استوار زندگی میکنند و آزاده و استوار از دنیا می روند

دانش ادبی: تشبیه: همچو سرو/ تکرار آزاد



درس ششم

اهداف یادگیری و انتظارات پس از مطالعه

- ۱- شناخت بیشتر یک نمونه داستانی
- ۲- شناخت ابعاد زیبا شناسانه‌ی نثر (تکرار،...)
- ۳- آشنایی با یکی از چهره‌های ادبی ایران (نادر ابراهیمی)
- ۴- شناخت بیشتر مفعول در زبان فارسی
- ۵- تقویت روحیه‌ی مناسب اخلاقی و حس محبت و دوستی

- ۶- تقویت مهارت درست گوش دادن (با بیان داستان به گونه‌ای جذاب) و تقویت مهارت خوب شنیدن
- ۷- دقت و تشخیص در آهنگ کلام
- ۸- نقد و تحیل شنیده‌ها
- ۹- برانگیختن و تشویق دانش‌آموز برای سخن گفتن در جمع
- ۱۰- تقویت توانایی گفتار برای غلبه بر کم‌رویی، بیان صحیح احساس، آرزو، مشاهدات، شنیده‌ها و اندیشه

پیام درس: قلب، جایگاه عشق و محبت است و آدم‌ها باید نسبت به هم محبت داشته باشند.

من قلبِ کوچولویی دارم؛ خیلی کوچولو؛ خیلی خیلی کوچولو.
مادر بزرگم می‌گوید: «قلبِ آدم نباید خالی بماند. اگر خالی بماند، مثل یک گلدانِ خالی،
زشت است و آدم را اذیت می‌کند».

نکته ادبی: تکرار خیلی و کوچولو و خالی/ تشبیه قلب به گلدان قلب مشبه است و گلدان مشبه به و خالی و زشت وجه شبه/ است فعل اسنادی/ زشت مسند

برای همین هم، ندتی است دارم فکر می‌کنم این قلب کوچولو را به چه کسی باید بدهم؛ یعنی
چه کسی را باید توی قلبم جا بدهم که از همه بهتر باشد؟ یعنی، راستش، چطور بگویم؟ دلم می‌خواهد
تمام تمام این قلبِ کوچولوی کوچولو را، مثل یک خانه قشنگ کوچولو، به کسی بدهم که خیلی خیلی
دوستش دارم... یا... نمی‌دانم... کسی که خیلی خوب است؛ کسی که واقعاً حش است توی
قلبِ خیلی کوچولو و خیلی تمیز من خانه داشته باشد.

نکته ادبی: تکرار کوچولو و تمام/ تشبیه قلب کوچک به خانه قلب مشبه است و خانه مشبه به و قشنگ کوچک وجه شبه/ واقعا قید

خوب، راست می‌گویم دیگر، نه؟
 پدرم می‌گوید: «قلب، مهمان‌خانه نیست که آدم‌ها بیایند، دو سه ساعت یا دو سه روز
 توی آن بمانند و بعد بروند. قلب، لانه گنجشک نیست که بهار ساخته شود و در پاییز، باد آن را با
 خودش برد...»
 قلب، راستش، نمی‌دانم چیست اما این را می‌دانم که فقط جای آدم‌های خیلی خیلی خوب
 است. برای همیشه...»

نکته ادبی: خوب راست می‌گویم دیگر، نه: پرسش انکاری / تکرار دوسه / قلب ≠ مهمان‌خانه / بهار ≠ پاییز / بهار
 و پاییز و باد مراعات نظیر / قلب ≠ لانه گنجشک (تناسب و تضاد) / بمانند ≠ بروند / تکرار خیلی / برای همیشه بدل
 است (چون بین دو خط تیره قرار دارد) / همیشه قید

خوب... بعد از مدت‌ها که فکر کردم، تصمیم گرفتم قلبم را بدهم به مادرم؛ تمام قلبم را،
 تمام تماشا را بدهم به مادرم؛ و این کار را هم کردم...
 انا ...
 انا وقتی به قلبم نگاه کردم، دیدم با اینکه مادر خوبم توی قلبم جا گرفته، خیلی هم راحت است،
 باز هم نصف قلبم خالی مانده ...

نکته ادبی: تکرار تمام / تشبیه قلب به خانه

خوب معلوم است. من از اول هم باید عظم می رسید و قلم را به هردوتاشان می دادم؛
 به پدرم و به مادرم. پس، همین کار را کردم.
 بعدش، می دانید چطور شد؟ بله، درست است. نگاه کردم و دیدم که باز هم، توی قلم
 مقداری جای خالی مانده ...
 فوراً تصمیم گرفتم آن گوشه خالی قلم را بد هم به چند نفر که خیلی دوستشان داشتم و این کار
 را هم کردم: برادر بزرگم، خواهر کوچکم، پدر بزرگم، یک دایی مهربان و یک عموی خوش اخلاقم
 را هم توی قلم جا دادم
 فکر کردم حالا دیگر توی قلم حسابی شلوغ شده ... این همه آدم، توی قلب به این کوچکی،
 مگر می شود؟

نکته ادبی: عظم می رسید کنایه از فهمیدن / هردوتاشان منظور پدر و مادر است / فوراً قید / مراعات نظیر بین
 برادر و خواهر و پدر بزرگ و دایی و عمو

اما وقتی نگاه کردم خدا جان، خدا جان! می دانید چی دیدم؟
 دیدم که همه این آدم ها، درست توی نصف قلم جا گرفته اند؛ درست نصف.
 - با اینکه خیلی راحت هم ولو شده بودند و می گفتند و می خندیدند، و هیچ گدای هم از تنگی جا
 نداشتند ...
 خوب... بعدش نوبت کی ها بود؟
 بله، درست است. باقی قلم، یعنی آن نصفه خالی را، با خوشحالی و رضایت، دادم به همه
 آدم های خوبی که توی محله ما زندگی می کنند، و همه قوم و خویش های خوبی که دارم و همه دوستانم،
 و همه معلم هایی که بچه ها را دوست دارند ...

نکته ادبی: تکرار خدا جان / ! نشانه جمله عاطفی است / خدا جان منادا / تکرار همه

و خودتان می‌دانید چی شد ...
(خدایا، چیز به این کوچکی، چطور می‌تواند این قدر بزرگ باشد؟)
راستش، بین خودمان باشد، پدرم یک عمود دارد، این عموی پدرم خیلی خیلی خیلی پول دار
است.

نکته ادبی: تکرار خیلی/ تضاد کوچک و بزرگ

من وقتی دیدم همه آدم‌های خوب را دارم توی قلبم جا می‌دهم، سعی کردم این عموی
پدرم را هم ببرم توی قلبم و یک گوشه بهش جا بدهم ... انا ... جا نگرفت ... هرچی کردم
جا نگرفت ... دلم هم سوخت ... انا چه کار کنم؟ جا نگرفت دیگر. تقصیر من که نیست، حتماً تقصیر
خودش است. یعنی، راستش، هر وقت که خودش هم، با زحمت و فشار جا می‌گرفت، صندوق
بزرگ پول‌هایش بیرون می‌ماند و او، دوان دوان از قلبم می‌آمد بیرون تا صندوقش را بردارد ...
بله ... تازه یواش یواش داشتم می‌فهمیدم که یک قلب کوچک کوچک، چقدر می‌تواند
بزرگ باشد. بنابراین، یک شب که به یاد آن روزها و شب‌های خیلی سخت آن جنگ افتادم،
یک دفعه فریاد زدم: «باقی قلبم را می‌بخشم به همه آنهایی که جنگیدند و دشمن را از خاک ما، از
سرزمین ما، و از خانه ما انداختند بیرون ...».

نکته ادبی: روزها ≠ شب‌ها (تضاد و تناسب)/ مراعات نظیر بین جنگ و خاک و دشمن و جنگیدن و سرزمین/
دلم سوخت کنایه از به رحم آمدن/ تکرار کوچک و یواش و دوان/ کوچک کوچک چقدر می‌تواند بزرگ باشد:
بزرگ تناقص/ خاک و سرزمین تناسب

خوب... حالا دیگر قلمم مثل یک شهر بزرگ شده بود. مدرسه داشت، بیمارستان داشت،
 سربازخانه داشت، کوچه و محله و خیابان و مسجد داشت و باز هم، یک عالم جای خالی داشت.
 این طور شد که به خودم گفتم: دیگر انتخاب کردن بس است.
 قلب من، مال همه و همه آدم‌های خوب سراسر دنیا است؛ از این سر دنیا تا آن سر
 دنیا...

نکته ادبی: مراعات نظیر مدرسه، بیمارستان، سربازخانه، کوچه، محله و خیابان و مسجد/ تشبیه قلب به شهر/
 بزرگ مسند

خودتان که می‌بینید. حالا، فقط یک جای خیلی خیلی کوچک در یک گوشه قلمم باقی مانده.
 می‌دانید آنجا را برای چه کسانی باقی گذاشتم؟ بله، درست است، برای همه آدم‌های بد، به شرطی
 که خودشان را درست کنند و دست از بد بودن و بدی کردن بردارند؛ بچه‌ها را اذیت نکنند،
 دریاها را کثیف نکنند، جانورها را نکشند، و به کسی زور نگویند...
 آدم‌های بد هم اگر خوب بشوند، خوب حق دارند یک خانه کوچک توی قلب من داشته
 باشند... نه؟
 تازه اگر آدم‌های بد هم خوب بشوند و بیایند توی قلب من، من فکر می‌کنم باز هم کمی جا
 باقی بماند... شاید برای جنگل‌ها، پرنده‌ها، کوه‌ها، ماهی‌ها، آهوها، فیل‌ها... و خیلی چیزهای
 دیگر...

نکته ادبی: تکرار کوچک/ بد ≠ خوب/ مراعات نظیر پرنده‌ها، جنگل، کوه‌ها، ماهی‌ها، آهوها و فیل‌ها/

عجیب است واقعاَ معلوم نیست این قلب است یا دریا! قلب به این کوچکی آخر چطور
هیچ وقت پُر نمی شود؟ ها؟
خوب این به من مربوط نیست.
شاید وقتی بزرگ بشوم، بفهمم که چرا این طور است انا حالا، تا وقتی توی قلبم جا هست،
باید آنجا را بنخشم به آدم های خوب و مهربان
قلب برای همین است دیگر؛ مگر نه؟

نادر ابراهیمی

نکته ادبی: تشبیه قلب به دریا از لحاظ وسعت



دانش زبانی و ادبی

را نشانه مفعول

مثال

الف) — علی آمد. — مریم رفت.
ب) — حسن میوه را خورد. — مینا نامه را خواند.

فعل، اصلیت‌ترین بخش یک جمله است.

فعل‌های بخش «الف» کلمه‌های «آمد» و «رفت» است. در جمله اول و دوم، تنها با اضافه شدن نهاد به فعل، معنی جمله کامل می‌شود. اما معنی جمله‌های بخش «ب» با نهاد، تمام نمی‌شود. در این جمله‌ها وقتی شما بگویید «خورد» شنونده می‌پرسد «چه چیزی را خورد؟»، درواقع چیزی خورده شده است؛ بنابراین برای تمام شدن معنی جمله، لازم است بخشی به فعل اضافه شود. این بخش که معمولاً با کلمه «را» به کار می‌رود، مفعول است. در زبان فارسی معیار امروز «را» نشانه مفعول است.

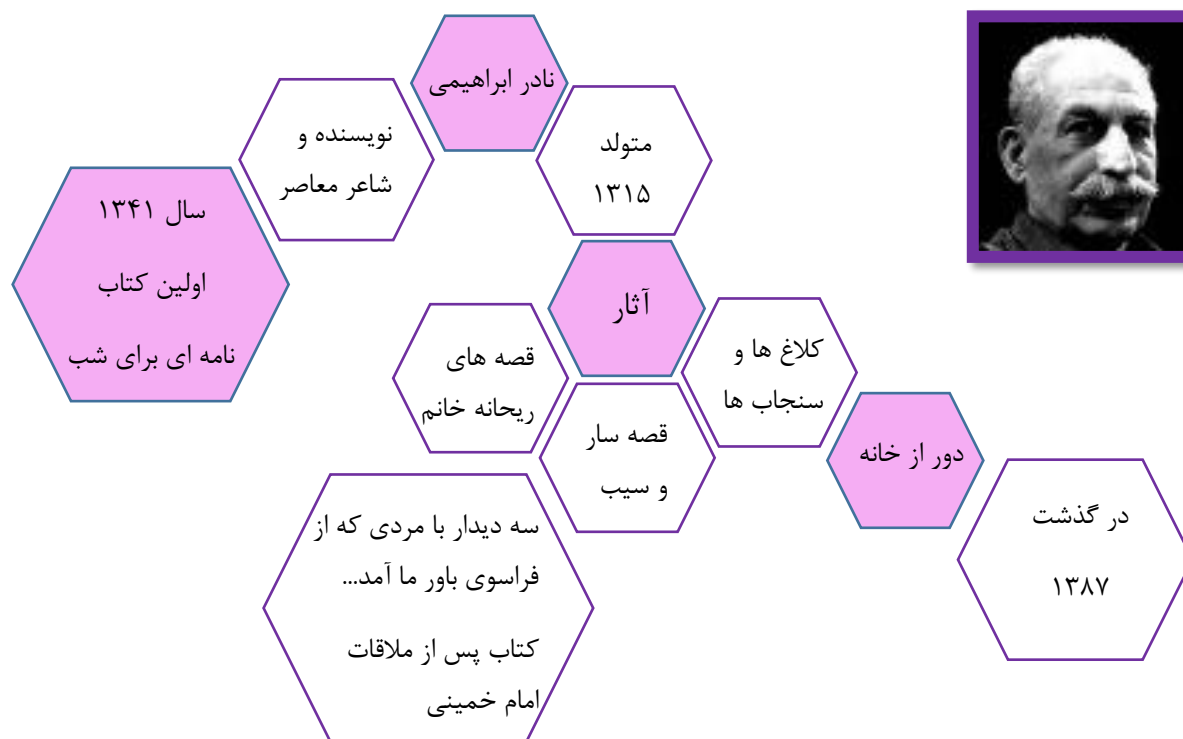
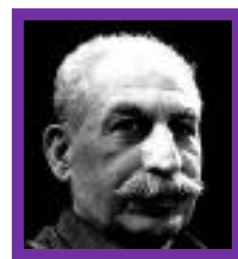
تکرار

مثال

دلم می‌خواهد تمام تمام این قلب کوچولوی کوچولو را، مثل یک خانه قشنگ کوچولو، به کسی بدهم که خیلی خیلی دوستش دارم

هرگاه نویسنده بخواهد بر چیزی تأکید کند، آن را تکرار میکند. این تکرار آگاهانه بر تأثیر سخن می‌افزاید. شاعران، از «تکرار» برای زیباسازی و تأثیرگذاری شعر استفاده می‌کنند. حتی گاه به تکرار یک بیت در شعر می‌پردازند

اعلام

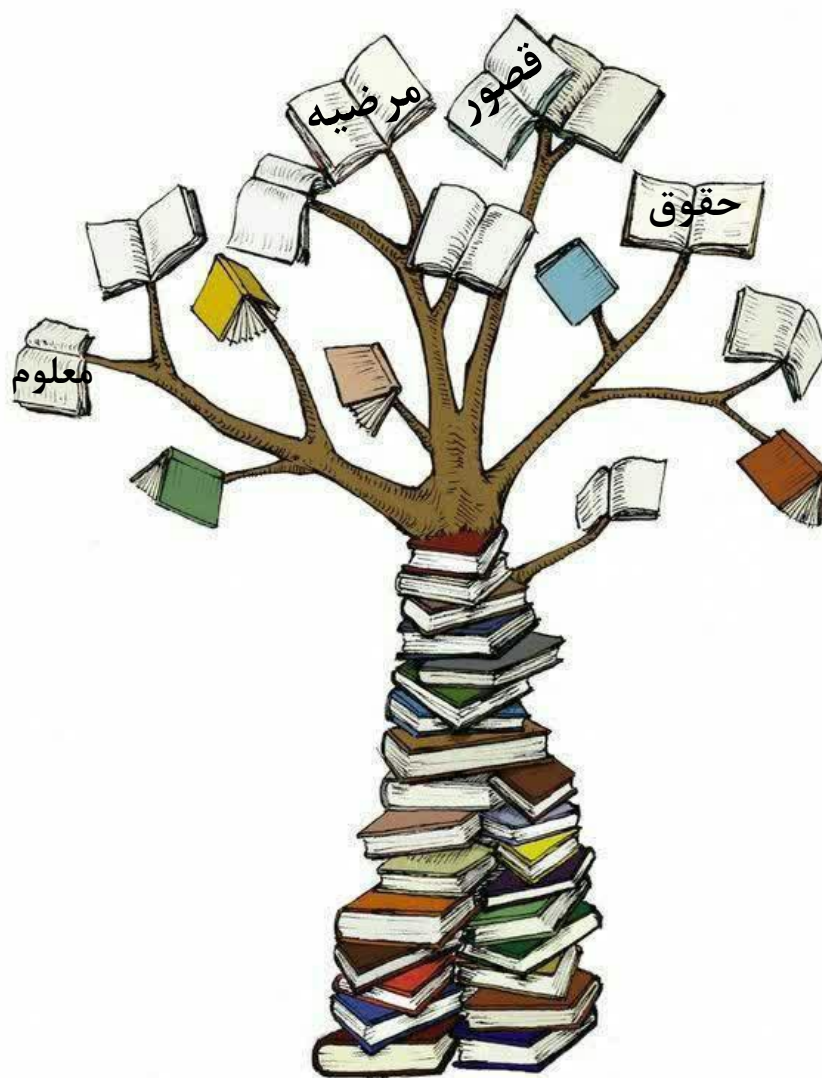




آزار دادن	اذیت
پخش، پراکنده	ولو
به درستی	واقعاً
شکایت	گله
شایسته، سزاوار	حق
خشنودی	رضایت
همه، کامل	تمام
تلاش، کوشش	سعی
آشکار	معلوم
سهل انگاری، کوتاهی	تقصیر
من درست فکر می کردم	عقلم می رسید
مقدار زیاد، بسیار	یک عالم
سریع، تند	فوراً
همه، تمام	سراسر
کامل، فراوان	حسابی
آلوده	کثیف
پر سر و صدا، پر جمعیت	شلوغ
شگفت انگیز	عجیب

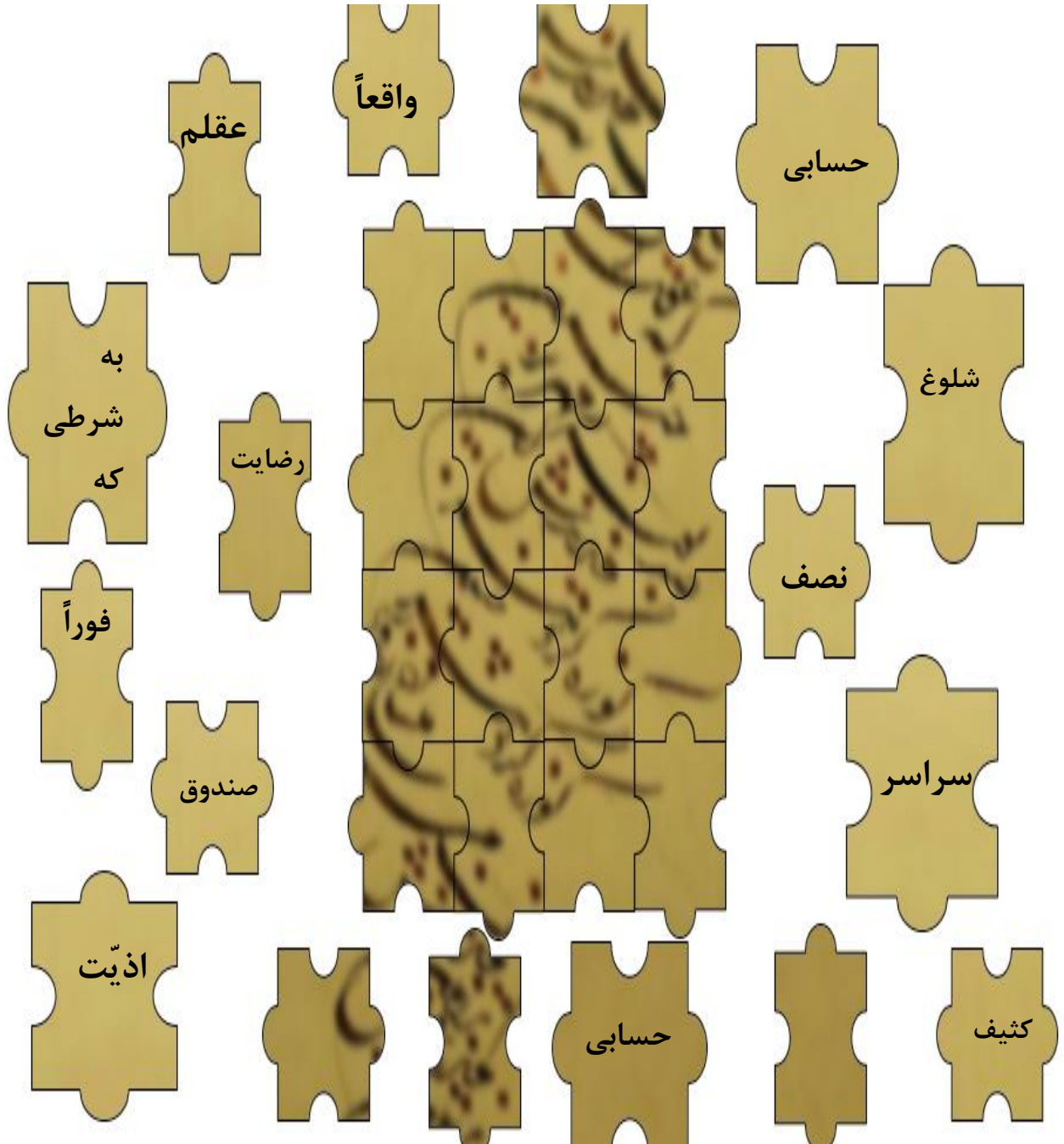
هم خانواده

هم خانواده ی کلمات زیر را از متن درس پیدا کنید و در قالب یک جمله





کلمات املائی





خود ارزیابی

۱- چرا قلب آدم نباید خالی بماند ؟

چون قلب خالی، مثل یک گلدان خالی، زشت است و آدم را اذیت می‌کند.

۲- چرا قلب به دریا تشبیه شده است؟ شما قلب را به چه چیزهایی تشبیه می‌کنید ؟

چون دریا بسیار بزرگ و بیکران است و قلب انسان هم به اندازه‌ی تمام کسانی که دوستشان داریم بزرگ است. من قلب را به ماه، خورشید، ستاره و آسمان تشبیه می‌کنم.

۳- به نظر شما چرا قلب نویسنده نمی‌توانست عموی پدرش را بپذیرد ؟

چون عموی پدرش پول پرست بود و به پول‌هایش بیشتر از

انسان‌ها اهمیت می‌داد و همین باعث می‌شد که

نویسنده از او آزرده خاطر باشد.





چه ویژگی هایی باعث می شود تا ما کسی را در قلبمان جای دهیم ؟
وقتی کسی را دوست داشته باشیم او را در قلب خود جای می دهیم و ما کسی را
دوست داریم که خوش اخلاق و مهربان باشد، راستگو باشد، با معرفت باشد و...
نمونه هایی از تکرارهای زیبا را در آفرینش خدا بیان کنید.
گل، درخت، چشمه، رودخانه، میوه، ستاره و...





نوشتن

۱- نمونه‌های تکرار را از درس پیدا کنید و بنویسید

من قلب کوچولویی دارم. خیلی کوچولو خیلی خیلی کوچولو. (تکرار واژه های خیلی و کوچولو)

این عموی پدرم خیلی خیلی خیلی پولدار است. (تکرار واژه ی خیلی)

۲- نهاد و مفعول هر جمله را مشخص کنید.

— رزمندگان، دشمن را از خاک ما بیرون انداختند. (رزمندگان: نهاد- دشمن: مفعول)

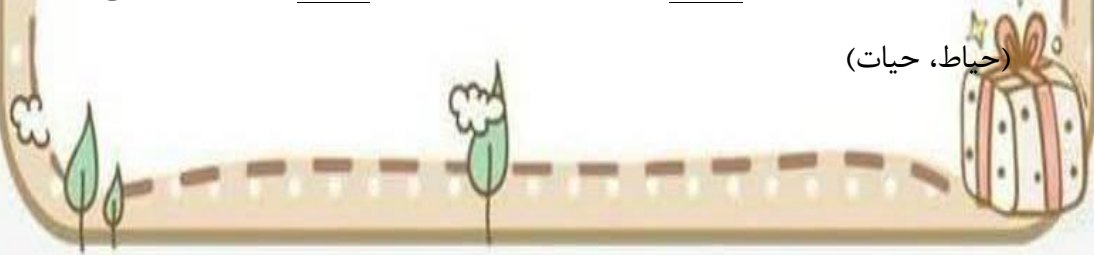
— من، عموی خوش اخلاقم را توی قلبم جا دادم. (من: نهاد- عموی خوش اخلاقم: مفعول)

— همه معلّم‌ها، بچه‌ها را دوست دارند. (همه ی معلّم‌ها: نهاد- بچه‌ها را: مفعول)

۳- با توجه به معنی جمله‌ها، واژه‌های مناسب را در جای خالی قرار دهید.

الف) مادر بزرگ درباره ٔ حیات گل‌های باغچه با نوه‌اش در حیاط خانه گفت‌وگو می‌کرد.

(حیاط، حیات)



فعالیت‌های نوشتاری

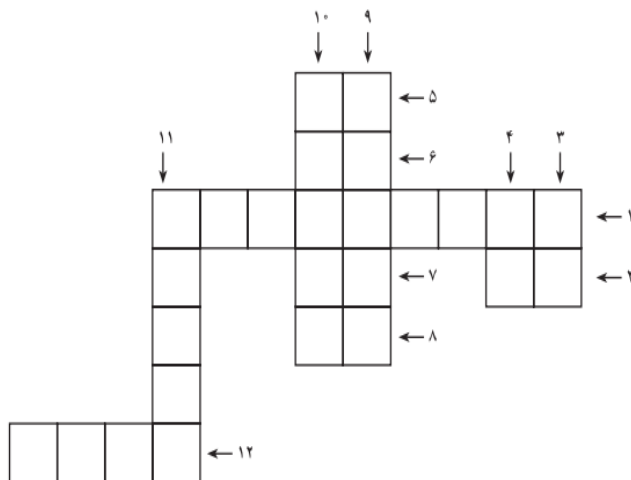
- ۱- نمونه‌های تکرار را از درس پیدا کنید و بنویسید.
- ۲- نهاد و مفعول هر جمله را مشخص کنید.
- رزمندگان، دشمن را از خاک ما بیرون انداختند.
- من، عمومی خوش اخلاقم را توی قلبم جا دادم.
- همه معلم‌ها، بچه‌ها را دوست دارند.

۳- با توجه به معنی جمله‌ها، واژه‌های مناسب را در جای خالی قرار دهید.

الف) مادر بزرگ درباره گل‌های باغچه با نوه‌اش در خانه گفت و گو می‌کرد.
(حیا، حیات)

ب) مراقب پول‌های خود باشیم و از و خوراک‌های بیهوده پرهیز کنیم.
(خورد، خرد)

۴- جدول زیر را حل کنید.



۱- جمله‌ای که برای بیان احساسات، عواطف، آرزو و ... بیان می‌شود.

۲- برای اشاره به دور به کار می‌رود.

۳- «مکان»

۴- ضمیر اول شخص مفرد

۵- «اگر» دم بریده

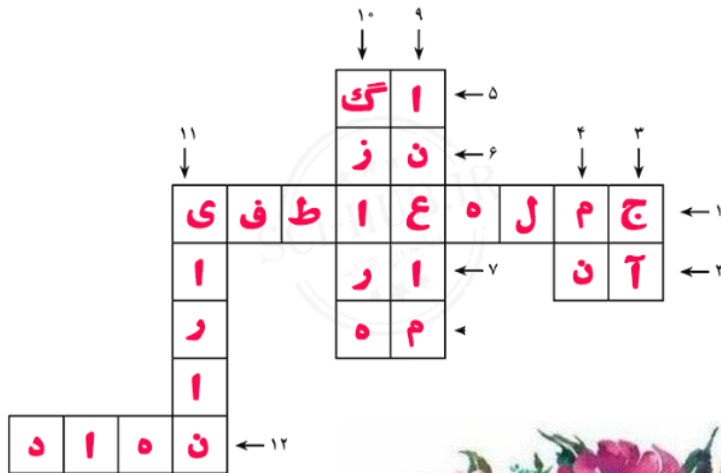
۶- از آن طرف بخوانید، یکی از دو جنس بشر است.

۷- مخفف «اگر»

۸- مخفف «ماه»

۹- یکی از سوره‌های قرآن ۱۰- همان گزارش است.

۱۱- جمع «یار» است. ۱۲- بخشی از جمله است



سوالات چهار گزینه‌ای

۱- با توجه به درس «قلب کوچکم را به چه کسی بدهم» اولین مهمان قلب کوچک در کدام گزینه آمده است؟

(۱) مادر (۲) مادر بزرگ (۳) پدر (۴) انسان های خوب

۲- در کدام گزینه املاي واژه ها درست است؟

(۱) امارت عالي قاپو (۲) او را خار نشماريد

(۳) در طول حياط خود درخشيد (۴) در هلال شب چهارده ديده به جهان گشود

کوتاه پاسخ

- ۳- بیت زیر را چند جمله تشکیل می دهد؟
این زندگی حلال کسانی که همچو سرو آزاده زیست کرده اند و آزاد می روند
- ۴- در عبارت «می دانید آنجا را برای چه کسانی باقی گذاشتم؟» مفعول کدام است؟
- ۵- در کدام جمله های عبارت زیر مفعول وجود دارد؟
خیلی خیلی دوستش دارم می دانم کسی که خیلی خوب است کسی که واقعاً حقش است لازم است توی قلب کوچولو
- ۶- ساخت و شخص فعل های عبارت زیر چیست؟
تازه اگر آدم های بد هم خوب بشوند و بیایند توی قلب من، من فکر می کنم باز هم کمی جا باقی بماند. و خیلی تمیز من خانه داشته باشد.
- ۷- مفهوم بیت «بر نامده و گذشته بنیاد مکن / حالی خوش باش و عمر بر باد مکن» چیست ؟
- ۸- معنی واژه های «بن»، «قریب»، «حیات»، و «مویه» چیست؟
- ۹- نویسنده ی درس (قلب کوچکم را به چه کسی بدهم) کیست؟

جای خالی

- ۱۰- از آرایه تکرار برای استفاده می شود.
- ۱۱- در جمله «هوا خیلی خیلی سرد است» آرایه ی به کار رفته است.
- ۱۲- اصلی ترین بخش یک جمله است.

پاسخ نامه سوالات چهار گزینه‌ای

(۱) مادر

(۲) در هلال شب چهارده دیده به جهان گشود.

پاسخ نامه سوالات کوتاه پاسخ

(۳) سه جمله

(۴) آنجا

(۵) جمله ی اول و آخر

(۶) آنها- سوم شخص جمع

(۷) زندگی امروز

(۸) ریشه-نزدیک-زندگی-ناله

(۹) نادر ابراهیمی

پاسخ نامه سوالات جای خالی

(۱۰) تاکید

(۱۱) تکرار

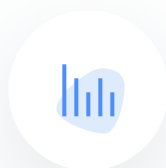
(۱۲) فعل





اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد